نیز نسبت به آن بی اطلاع اند.

فشاری که اشاره می کنی، از کدام بابت بود؟

شاید هم این فشار بیشتر بر روی ما طبقه جوان تر بود زیرا مستقیماً و بدون تجربیات لازم قدم به عرصه‌ای می گذاشتیم که برایمان ناشناس بود. ما موظف به کسب بهترین نتایج بودیم حال آنکه جوانی بیش نبودیم و این بیم را داشتیم که شاید از عهده کار بر نیاییم و کم بیاوریم.

آنچه ما را در این آزمایش سخت سرفراز کرد، تلاش همه جانبه و فداکاری بود زیرا به هر حال باید ملت را خوشحال و کشورمان را فاتح این میدان ها می کردیم. خوشبختانه در مسابقه های قهرمانی آسیا که در تهران برگزار شد، بر سکوی اول ایستادیم، در ورلدکاپ تا سرحد امکان آبروداری کردیم و در پیکارهای نهایی انتخابی المپیک در دی ماه هم به مجوز حضور در این رقابت ها رسیدیم.

تعویق یکساله در برگزاری المپیک بیشتر به سود ما بوده و یا به ضرر ما؟

از آنجا که بنا بر تغییر سرمربی تیم ملی والیبال گذاشته و ایگور کولاکوویچ کنار نهاده شده و پروسه رویکرد به یک سرمربی تازه آغاز شد، این تعویق به سود ما شد زیرا هر مربی خارجی تازه‌ای که می آید یک سال و اندی وقت برای خوگرفتن با شرایط و نیازهای والیبال ما دارد و ابتدا همه چیز را خواهد شناخت و سپس براساس آن تصمیم گیری و از نفرات شایسته‌تر دعوت خواهد کرد.

در روال قبلی که المپیک را در همین مرداد ماه امسال می داشتیم، وقت برای تبعات چنین تصمیمی و آشنا شدن مربی جدید با ویژگی های ما بسیار کمتر می بود و به تبع آن نتایج ضعیف تری در توکیو می گرفتیم. البته دلیل اصلی برکناری کولاکوویچ همین مسأله و تأخیر در برگزاری المپیک از سوی ژاپن و IOC بود و اگر این تعویق روی نمی داد، طبعاً فدراسیون والیبال هم از برکناری کولاکوویچ پرهیز و با توجه به ضیق زمان وی را حفظ می کرد.

آیا شخصاً از کولاکوویچ راضی بودی؟

او فشار زیادی به من و سایر نفرات جوان و جدید تیم ملی والیبال آورد اما هدفش نه نکته‌ای منفی و آزار ما بلکه تلاش برای این بود که من و امثال من بهترین نمایش ها را ارائه بدهیم و به تیم ملی بیشترین کمک را ارائه کنیم.

به همین خاطر کار کردن با او برای من در سال گذشته بیشتر یک رویداد مفید بود تا رخدادی منفی و من از طریق راهنمایی های او و ممارست های خودم به سطح بالاتری از آمادگی رسیدم. روزی نبود که کولاکوویچ تمریناتی اضافه بر معمول و فراتر از آنچه که برای جمع اعمال می شد، برای من منظور و لحاظ نکند ولی با همان سیاست ها و رویکردها من به بازیکن کامل تری تبدیل شدم و این را مدیون این مربی شرق اروپایی هستم.

۱۳۹۸ کلاً سال بسیار بدی بود و انواع بلایای طبیعی و غیر طبیعی بر سر مردم نازل شد ولی آیا در چنین سالی خاطره خوش خاصی برای تو شکل گرفت؟

بله، در دل این سال بد هم چند اتفاق خوب و خوش برایم افتاد و به لحاظ والیبالی سال بسیار خوبی برای من رقم خورد، من ابتدا با تیم ملی جوانان به عنوان نخست مسابقات قهرمانی جهان در این رده سنی رسیدم و سپس با تیم ملی بزرگسالان در قهرمانی آسیا هم اول شدم. فقط شش روز بعد از آن تاریخ ما به ژاپن اعزام شدیم تا در رقابت های جام جهانی والیبال هم بخت آزمایی کنیم و در نهایت تیم ملی سهمیه المپیک را هم گرفت.

در میان داخلی ها من همیشه بازی نظری افشار را دوست داشته و از او الگو گرفته‌ام و از خارجی ها هم بازی امثال کورک و مت اندرسون را می پسندم. مهم‌تر از همه اینها اینکه باید هنوز یاد بگیرم و پیوسته بهتر بشوم

من در چنین سالی لباس تیم ملی والیبال بزرگسالان را برای اولین بار به تن کردم و با افرادی همبازی شدم که همیشه در جایگاه یک ستاره و از شاخص ترین افراد در ذهن من بودند و هرگز تصور نمی کردم روزی کنار آنها قرار گیرم.

اما تیم ملی در مسابقه‌های ورلدکاپ خسته و کم جان ظاهر شد و نتایج چندان خوبی نگرفت.

بله، ولی در همان رقابت ها نیز هرگاه به میدانی فرستاده شدم حداکثر تلاشم را به کار گرفتم و در دیدار با کانادا که به اولین بازی ملی بزرگسالان من تبدیل شد، نمایش آبرومندانه‌ای داشتم و به یک تطابق سریع با مهره های قبلی و اصلی تیم نایل شدم. تیم ما در آن زمان فرسوده‌تر از آن بود که دست به کاری بزرگ بزند.

آیا در مسیر لژیونر شدن قرار داری؟

بله، در یک قدمی آن قرار دارم. من با تیم ماسیک بلژیک به توافق رسیده‌ام و قراردادی دو فصلی بین ما امضا خواهد شد و همراه با جواد کریمی به این تیم خواهیم پیوست و منتظریم که محدودیت های برخاسته از کرونا برداشته شود و دست به این سفر بزنیم.

من برگه «پایان خدمت» هم دارم و از این بابت هم دچار مشکلی نیستم. رفتن به لیگ بلژیک و کلاً بازی در لیگ های اروپایی یکی از آرزوهای من بوده که امسال محقق خواهد شد.

ولی طی هفته‌های اخیر فقط مشغول تمرینات فردی در خانه‌ات بوده‌ای، آیا اینطور نیست؟

بله، در سه ماه گذشته فقط در داخل خانه وزنه می زده و مشغول کارهای بدنسازی بوده‌ام و شرایط کرونایی ورزش کشور دست های مرا هم بسته بود.

فکر می کنم با بهتر شدن شرایط لیگ بعدی را از مهرماه استارت بزنند اما در آن زمان من در بلژیک خواهم بود و احتمالاً مشارکتی در لیگ داخلی نخواهم داشت.

از الگوهای فنی داخلی و خارجی‌ات هم بگو.

در میان داخلی ها من همیشه بازی نظری افشار را دوست داشته و از او الگو گرفته‌ام و از خارجی ها هم بازی امثال کورک و مت اندرسون را می پسندم. مهم‌تر از همه اینها اینکه باید هنوز یاد بگیرم و پیوسته بهتر بشوم زیرا همچنان ضعف هایی در بازی من هست که نیاز به ترمیم و تصحیح دارد و در این راه باید هر فن تازه و کار خوبی را از هر کسی بیاموزم و ضمیمه بازی‌ام کنم.

و حرف آخر...

پاداش قهرمانی های ما در جهان در رده های سنی نوجوانان و جوانان هنوز پرداخت نشده و تیم ملی بزرگسالان هم مبالغ زیادی را از همین طریق و کسب موفقیت های متعدد طلبکار است که ترجیحاً من وارد بحث مطالبات تیم بزرگسالان نمی شوم زیرا عضویت‌ام در این تیم کوتاه مدت بوده است. امیدوارم این پاداش ها را سرانجام بدهند زیرا در جوان ترها انگیزه به وجود می آورد و بزرگترها را هم به تلاش بیشتر تشویق می کند. البته در صحبتی که اخیراً با آقای داورزنی داشتیم، در این زمینه قول های مساعدی داد.

امیرحسین در میان دریافت‌کنندگان دنیا استثناست

شکموی دوست‌داشتنی!

یادداشت

محمد وکیلی- سرمربی سابق تیم ملی نوجوانان

حدود شش سال پیش بود که در یک مسابقه دوستانه در منطقه ۱۹ تهران امیرحسین را دیدم. بازی بین تیم دانش آموزی و یک تیم دسته اولی بود و من هم به خاطر مسئولیتم برای استعدادیابی به سالن رفته بودم. در همان مسابقه بود که امیرحسین اسفندیار، جواد کریمی و چند بازیکن دیگر را دیدم و برای اردو دعوت شان کردم. امیرحسین البته چند سالی از باقی بچه ها کوچک تر بود. نوجوانی خوش قد و قامت و با فیزیک مناسب بود که البته به خاطر سن و سال کمش از لحاظ فنی کمی با دیگران فاصله داشت، اما در مجموع شرایط نظرم را برای دعوت به اردو جلب کرد.

از دل همان بچه ها تیم نوجوانان ایران تشکیل شد که امیرحسین هم جزوی از آن بود. در آسیا بدون ست باخته قهرمان شدیم و پس از آن با همان نفرات تیم ارتعاشات را به لیگ برتر آوردیم. در تمام این ماه ها امیرحسین خیلی زحمت کشید. اضافه‌وزن قابل توجهی داشت و خیلی تلاش کرد تا به شرایط ایده‌آل برسد. اوایل ۵۰ - ۵۰ بازی می کرد اما رفته‌رفته به او زمان دادیم تا خودش را ثابت کرد و بازیکن اصلی شد. سال بعد در لیگ برتر با پیشنهاد کاله راهی این تیم شد اما با توجه به شرایط سنی‌اش باز هم می توانست برای نوجوانان در جام جهانی بازی کند. پس از تجربه دومین فصل بازی در لیگ برتر به تیم نوجوانان آمد و به‌عنوان کاپیتان جام قهرمانی جهان را در سال ۲۰۱۷ بالای سر برد. پس از آن در سال ۲۰۱۸ این تجربه را با تیم جوانان هم تجربه کرد و تمام مدارج ترقی را یکی یکی بالا آمد.

پس از همان موفقیت ها به تیم ملی هم دعوت شد اما یک اتفاق کوچک باعث خط خوردنش شد. یک خواب ماندن ساده باعث شد تا کولاکوویچ روی نام او قلم بکشد که شاید می توانست خیلی بهتر مدیریت شود.

قطعاً وقتی بازیکنی که هنوز ۲۰ سالش هم نشده به تیم ملی می رسد، با دیگر بازیکنان باتجربه‌تر تفاوت دارد و باید به شکل دیگری مدیریت شود. با این حال شاید همان اتفاق هم تجربه خوبی برای امیرحسین شد تا جدی‌تر باشد و در آینده نیز از این تجربه استفاده کند.

با این حال در سال بعد یک بار دیگر به تیم ملی دعوت شد و این بار به ترکیب هم رسید. پس از حضور موفق در هر دو تیم رده پایه، کسب موفقیت و کاپیتانی، حقش بود که حضور در تیم بزرگسالان را هم تجربه کند و به این هدف هم رسید.

حالا هم پس از این شش سال تصمیم گرفته بازی در لیگ های اروپایی را تجربه کند که اتفاق بسیار خوبی است. همه این بچه ها که لژیونر شدند زمانی که با من صحبت کردند، تشویق شان کردم. از همین جا هم یک بار دیگر به او و بقیه بچه ها تبریک می گویم و امیدوارم اتفاق های بسیار خوب و بزرگتری برای شان بیفتد.

برای یک دریافت‌کننده، داشتن قد ۲۰۵ فاکتور عادی و معمولی نیست. امیرحسین در میان دریافت‌کنندگان دنیا واقعاً یک استثناست و شرایط فیزیکی خاصی دارد. بهترین دریافت‌کننده های دنیا معمولاً بیش از دو متر قد ندارند. البته این قامت برای او هم در زمان دریافت مشکلاتی را ایجاد می کند اما خوب با آن کنار آمده، ولی هنوز هم در حمله شرایط بهتری دارد و نقطه قوتش به حساب می آید.

از میان شاخصه های اخلاقی هم شاید بتوان گفت شجاعت و نترسی او خیلی بیشتر به چشم می آید. یادم نمی رود که در مسابقات قهرمانی جهان آنقدر روحیه خوب و نترسی داشت که به تیم هم منتقلش می کرد.

حتی دست گردن من می انداخت و اطمینان می داد که حتماً بازی را می بریم و از من می خواست حرص نخورم! او پسر دوست‌داشتنی است که بیش از ۴ سال با یکدیگر کار کردیم و حالا خوشحالم که با سعی و تلاش خودش به جایگاه خوبی رسیده. حالا هم به نظرم تصمیم خوبی گرفته و با نادیده گرفتن پیشنهادهای خوب مالی در ایران، راهی اروپا شده تا شانس داشتن پیشنهادهای بزرگتر و بهتر را داشته باشد و مسیر رشد وسیع‌تری برای خودش بسازد.

برای او و تمام بازیکنانی که راهی اروپا شده‌اند، آرزوی موفقیت می کنم و خوشحالم که ملاک شان تنها پول نبوده و کسب درآمد را به یک سوم پایانی دوران بازی خود موکول می کنند و فعلاً تنها به فکر رشد و رسیدن به جایگاه های بالاتر هستند.